

مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی در نهج‌البلاغه با تأکید بر کار و فعالیت اقتصادی، روابط اجتماعی و کارکرد حکومت

محمدصادق شجاعی*

چکیده

هدف این پژوهش، بررسی برخی مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی در نهج‌البلاغه است. سؤال اصلی مقاله این است که بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه، آیا عوامل اجتماعی، مانند کار و فعالیت اقتصادی، روابط اجتماعی، دریافت حمایت از سوی دیگران و حکومت بر بهداشت روانی تأثیر می‌گذارد؟ به این منظور، آموزه‌ها و مفاهیم مرتبط با موضوع یاد شده با بهره‌گیری از روش استنباطی و تحلیل نظری مورد بحث قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که بهداشت روانی تا حدود زیادی از دیدگاه امام علی(ع) تحت تأثیر عوامل اجتماعی، مانند کار و فعالیت اقتصادی، روابط اجتماعی، همبستگی و اتحاد ملی و به‌ویژه دولت و حکومت و نحوه رفتار و برخورد مسئولان با مردم قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: بهداشت روانی، روان‌شناسی در نهج‌البلاغه، روان‌شناسی اسلامی، حکومت، اقتصاد

مقدمه

از دهه‌های گذشته همراه با رشد چشمگیر نظریه‌های روان‌شناختی، بحث بهداشت روانی به عنوان یک قلمروی وسیع و گسترده اهمیت زیادی یافت و در دستور کار نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، از جمله سازمان جهانی بهداشت قرار گرفت. یکی از موضوع‌های مورد بحث در حوزه بهداشت روانی، عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر آن است. تحقیق‌های انجام شده نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی، از جمله فقر و بیکاری، تبعیض نژادی، فرهنگ طبقاتی، بی‌عدالتی و سبک حکومت استبدادی اثرهای منفی روی بهداشت روانی افراد بر جای می‌گذارد؛ در مقابل، کار و فعالیت اقتصادی، روابط اجتماعی مطلوب، دریافت حمایت از سوی دیگران، داشتن آزادی‌های اجتماعی و سبک حکومت مردم‌سالار، از عوامل مؤثر بر حفظ و تقویت بهداشت روانی در جامعه محسوب می‌شود (فونک،^۱ ۲۰۰۰). در حال حاضر، تفکر اجتماعی بر بیشتر تحقیق‌ها و برنامه‌های حوزه بهداشت روانی حاکم است. روان‌شناسان در سال‌های اخیر سعی کرده‌اند با وسعت بخشیدن به مفهوم بهداشت روانی، تعریفی جدیدی از آن ارائه دهند؛ به گونه‌ای که اصطلاح بهداشت روانی، مطلوبیت پایدار برای زندگی و کار در همه عرصه‌ها را در بر گیرد (مارموت و ویلکینسون،^۲ ۱۹۹۹). بر اساس آموزه‌های دینی نیز زمانی بهداشت روانی پایدارتر خواهد بود که علاوه بر عوامل و زمینه‌های فردی، مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی نیز فراهم باشد. با توجه به چنین اهمیتی، در پژوهش حاضر، ابعاد و مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی در نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است.

بیان مسئله

عوامل زیادی با بهداشت روانی مرتبط است، مانند ویژگی‌های شخصیتی، نگرش‌ها، رفتارها و جهت‌گیری مذهبی افراد. بیش از دو دهه است که محققان علاوه بر عوامل فردی، به طور گسترده بر نقش عوامل اجتماعی، مانند فرهنگ، اقتصاد، روابط اجتماعی و دولت بر کیفیت بهداشت روانی جامعه تأکید کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که بهداشت روانی بدون در نظر گرفتن عوامل اجتماعی آن معنایی ندارد (استانویک،^۳ ۲۰۰۶؛ برکلی،^۴ ۲۰۰۹). یافته‌های فونک (۲۰۰۰) نشان می‌دهد که رفاه اجتماعی، همبستگی، عدالت، دریافت حمایت از

1. M. Funk
2. M. Marmot & R. G. Wilkinson
3. R. S. Stanwick
4. Berkeley

سوی دیگران و روابط مطلوب دولت با مردم باعث بالا رفتن کیفیت بهداشت روانی می‌شود. با توجه به این یافته‌ها و ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی، لازم است که دیدگاه اسلامی نیز از متون دست اول استخراج شده و مورد استفاده جامعه علمی قرار بگیرد. بر این اساس، پرداختن و تأمل روی ابعاد اجتماعی بهداشت روانی از دیدگاه نهج البلاغه که از اصلی‌ترین متون دینی است، بیش از پیش ضروری می‌نماید. پژوهش حاضر به‌طور مختصر به بررسی بعضی از مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته است. **سؤال پژوهش:** بر اساس آموزه‌های نهج البلاغه، چه موضعی نسبت به مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی می‌توان برگزید؟ برای پاسخ‌گویی به این پرسش، باید به سؤال‌های فرعی زیر پاسخ دهیم:

۱. آیا کار و فعالیت اقتصادی در حفظ و ارتقای بهداشت روانی افراد نقش دارد؟
 ۲. آیا بین روابط اجتماعی و دریافت حمایت از سوی دیگران با بهداشت روانی رابطه وجود دارد؟
 ۳. آیا نوع حکومت و نحوه رفتار و برخورد مسئولان با مردم روی بهداشت روانی آنها تأثیر می‌گذارد؟
 ۴. آیا بین تبعیض نژادی، فرهنگی و طبقاتی با اختلال در بهداشت روانی افراد رابطه وجود دارد؟
- روش پژوهش:** در این تحقیق، ابتدا مفهوم بهداشت روانی و مفروض‌های مربوط به آن، با استفاده از روش تحلیل متون و توصیف نظری در چارچوب روان‌شناسی مورد بحث قرار می‌گیرد. سپس با استفاده از روش استنباط عقلی به بررسی مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی در نهج البلاغه خواهیم پرداخت.

ادبیات نظری پژوهش

امروزه بهداشت روانی، یکی از موضوع‌های مهمی است که توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. در روان‌شناسی تعریف‌های مختلفی از بهداشت روانی ارائه شده که مهم‌ترین آنها عبارت است از: ۱. احساس رضایت و سازگاری فرد با موازین و هنجارهای اجتماعی (پورافکاری، ۱۳۷۳، ص ۹۱۳)؛ ۲. قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایل‌های شخصی (میلانی‌فر، ۱۳۸۲، ص ۳)؛ ۳. داشتن روحیه و توانایی همکاری با دیگران، صمیمیت و ابراز احساس‌ها

در روابط بین‌فردی، آگاهی از خود و محیط و سازگاری با مشکل‌های زندگی (گریگوری، ۲۰۰۴، ص ۵۷۶). در واقع، فردی که این ویژگی‌ها را داشته باشد، از بهداشت روانی برخوردار است. البته باید توجه داشت که در بهداشت روانی فقط نداشتن علائم بیماری کافی نیست. بهداشت روانی مناسب باید فرد را قادر سازد تا توانایی‌های جسمی و روانی خود را به حداکثر رسانیده و زندگی هدفمند و رو به رشدی داشته باشد (میلانی‌فر، ۱۳۸۲).

اگرچه مفهوم بهداشت روانی به این صورت در نهج‌البلاغه مورد اشاره قرار نگرفته، اما بحث‌های زیادی در نهج‌البلاغه وجود دارد که از نظر محتوایی با بهداشت روانی سازگاری و همخوانی دارد. در واقع، یکی از کارکردهای مفاهیم اخلاقی نهج‌البلاغه، حفظ و ارتقای بهداشت روانی افراد است. حضرت علی(ع) به بسیاری از مفاهیم و آموزه‌هایی که روان‌شناسان در بهداشت روانی به آنها پرداخته‌اند، بسیار دقیق توجه کرده است؛ برای مثال، حضرت علی(ع) همیشه افراد را به داشتن روحیه همکاری، اصلاح محیط فردی و اجتماعی، حل تضادها و تمایل‌های شخصی، ارتباط سالم و سازنده با دیگران، صمیمیت و ابراز احساس‌ها در روابط بین‌فردی، آگاهی از خود و محیط و سازگاری با مشکل‌های زندگی سفارش کرده است. بهداشت روانی مورد نظر امام علی(ع) فقط به ابعاد مادی انسان محدود نمی‌شود، بلکه بُعد معنوی او را نیز در بر می‌گیرد. برخی محورهای اصلی بهداشت روانی از نظر امام علی(ع) عبارت است از: وضعیت مطلوب جسمانی (نهج‌البلاغه، خطبه ۸۳، ص ۹۸)، زندگی راحت، بهره‌مندی از نعمت‌های پایدار، خواسته‌ها و آرزوهای برآورده شده، آسایش و آرامش کامل همراه با برکت‌ها و مواهب الهی (همان، خطبه ۷۲، ص ۸۶). با توجه به آموزه‌های نهج‌البلاغه، شاید بتوان بهداشت روانی را به بهره‌مندی فرد از وضعیت مطلوب جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی تعریف کرد؛ به گونه‌ای که برای او امکانی فراهم کند تا بتواند به یک زندگی خلاق، رضایت‌بخش و سعادت‌مند دست یابد. چنانچه از این تعریف استفاده می‌شود، بهداشت روانی در نهایت تجربه‌ای ذهنی و خصوصی است؛ اما همیشه بر اساس ویژگی‌های محیطی و اجتماعی توصیف می‌شود. حضرت علی(ع) در موارد مختلف به موضوع بهداشت روانی و مؤلفه‌های اجتماعی آن اشاره نموده است. برخی مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی از نظر ایشان عبارت است از:

الف) کار و فعالیت اقتصادی: از نظر امام علی(ع) کار یک جنبه بسیار مهم و پرمعنا از زندگی انسان است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۲۴). هم خود آن حضرت به کار اشتغال داشت و هم دیگران را به کار توصیه می‌نمود (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۶). از نظر ایشان، کار و

فعالیت اقتصادی برای تأمین معیشت و برطرف کردن نیازهای خانواده، اهمیت ویژه‌ای دارد (نوری، ۱۳۲۰ق، ص ۱۳). یکی از دلایل اهمیت کار و فعالیت اقتصادی در نهج البلاغه به اثرهای مثبت آن بر بهداشت روانی مربوط می‌شود. کار و فعالیت اقتصادی از چند راه بر بهداشت روانی می‌تواند تأثیر بگذارد:

۱. افزایش سلامت جسمی و پیشگیری از بیماری‌ها: یکی از آثار مثبت کار، افزایش سلامت جسمی و پیشگیری از بیماری‌ها است. امام علی(ع) می‌فرماید: «کسی که کار کند، نیرویش زیاد شده و در برابر بیماری‌ها مقاوم‌تر می‌شود» (جعفری، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۰۰). تحقیق‌های تجربی نیز نشان داده است که کار مداوم سیستم قلبی - عروقی را تقویت کرده و ماهیچه‌ها را توانمندتر می‌کند (هی وود، ۱۳۸۰).

۲. احساس خودارزشمندی: یکی دیگر از آثار و پیامدهای مثبت کار، تقویت احساس خودارزشمندی است. افرادی که کار می‌کنند و از نظر اقتصادی به دیگران متکی و وابسته نیستند، عزت نفس، احساس خودکارآمدی و اعتماد به نفس بالایی دارند (نهج البلاغه، حکمت ۳۴۲). از این رو، امام علی(ع) توصیه می‌کند که هر کسی برای تأمین نیازهای زندگی خود باید به کار و فعالیت اقتصادی بپردازد تا از دیگران بی‌نیاز باشد (ورام، ۱۳۸۴، ص ۱۹). ایشان کار، اشتغال و رونق اقتصادی را یکی از عوامل زمینه‌ساز ارزشمندی خود اجتماعی برشمرده است (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۵). ارزشمندی خودخانوادگی نیز متأثر از کار و فعالیت اقتصادی است (لیسی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۵). اگر افراد کار و شغلی برای خود داشته باشند و بتوانند نیازهای مالی‌شان را از این راه برآورده کنند، کمتر دست‌نیاز به سوی دیگران دراز می‌کنند. در این صورت، بهداشت روانی بیشتری خواهند داشت. یکی از دلایل اصلی اینکه در روایت‌ها به کار و تلاش توصیه شده و از بیکاری و وابستگی به دیگران نهی شده، تقویت ارزشمند بودن خود و حفظ و ارتقای بهداشت روانی افراد است. امام علی(ع) می‌فرماید: «به کار تجارت بپردازید؛ زیرا این کار شما را از آنچه که در دست مردم است، بی‌نیاز می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۱۱).

۳. کاهش فقر و محرومیت: یکی از تأثیرها و کارکردهای اشتغال بر بهداشت روانی از راه کاهش فقر و محرومیت است. حضرت علی(ع) افراد را به کار توصیه می‌کند تا فقر و محرومیت در جامعه نباشد و بهداشت روانی افراد تأمین شود. از نظر ایشان، فقر باعث نقص در دین، سرگردانی عقل، عامل پرخاشگری و روابط ناسالم با دیگران (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹)، انزوای اجتماعی (همان، حکمت ۵۶) و اختلال در کارکردهای شناختی

(جعفری، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۸۷) است. به خاطر همین کارکردهای منفی است که از فقر به «مرگ بزرگ» یاد شده است (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳). به‌طور کلی، در نهج البلاغه شواهدی ارائه شده که کار به خاطر کاهش فقر می‌تواند در حفظ و ارتقای بهداشت روانی افراد نقش بسیار مهمی داشته باشد. بر اساس تحقیق‌های انجام شده، فقر نقش محوری در رابطه بین بیکاری و آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کند. کسلر و همکارانش (۱۹۸۸) دریافتند که مشکل‌های مالی و فقر، عامل بسیار مهمی در ایجاد اختلال‌های جسمی و روانی است. لاهیلما (۱۹۹۲) و کوکرین (۱۳۷۶) نیز در تحقیق‌های خود دریافتند افرادی که وضعیت اقتصادی بسیار نامناسبی دارند، از نظر بهداشت روانی با مشکل‌های زیادی روبه‌رو هستند. وار (۱۹۸۷) در نظریه خود به نام «نظریه ویتامین کار»، ابتدا به پیامدهای منفی فقر و بیکاری اشاره نموده و سپس مزایای کار و اشتغال را بر ابعاد بهداشت روانی برشمرده است. نکته‌ای که در اینجا باید مورد توجه قرار گیرد، این است که امام علی (ع) به جای مفهوم اقتصادی فقر، مفهوم روانی - اجتماعی از آن را مطرح می‌کند. چه‌بسا افرادی که از نظر وضعیت مالی در سطح پایینی قرار دارند؛ اما از نظر سطح رضایت، کاملاً از زندگی خود راضی هستند. این افراد از نظر روانی کمتر آسیب می‌بینند (نهج البلاغه، حکمت ۴۷۵).

از نظر امام علی (ع) علاوه بر اینکه اصل کار و فعالیت اقتصادی مطلوبیت دارد، نحوه انجام آن و اینکه فرد در چه زمینه‌ای باید به کار بپردازد، نیز مهم است. حلال بودن شغل، یکی از ملاک‌های مهم در این باره است (محمودی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۲۴). از این‌رو، امام علی (ع) افراد را از برخی شغل‌ها نهی کرده است؛ زیرا تأثیر منفی بر بهداشت روانی دارد (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۵، ص ۳۷۶). همچنین، عوامل مربوط به محیط کار، مانند ارتباط بین کارگران و کارفرمایان، روابط با مراجعان و مشتریان (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷)، بازخورد عملکرد و پاداش‌ها (همان، خطبه ۴۴)، متغیرهای مهمی است که در نهج البلاغه مورد توجه واقع شده است.

ب) موقعیت، نقش و منزلت اجتماعی: یکی دیگر از عوامل اجتماعی مؤثر بر بهداشت روانی، نقش و منزلتی است که در بافت اجتماعی به فرد داده شده است. امام علی (ع) برای اشاره به نقش و منزلت اجتماعی، مفهوم «طبقه» را به کار برده و در یک تقسیم‌بندی کلی از هفت طبقه اجتماعی نام برده است (همان، نامه ۵۳). از نظر ایشان، طبقه اجتماعی عامل بسیار اساسی در بهداشت روانی است. ملأ، مترف، رُهبان، احبار، حزب الله و

1. vitamin theory

حزب الشیطان، برخی از طبقه‌های اجتماعی است که امام علی(ع) در این باره به کار برده است. آموزه‌های نهج البلاغه، تأثیر طبقه اجتماعی بر بهداشت روانی را نشان می‌دهد. از نظر ایشان، ثروتمندان در بیشتر موارد، به دلیل موقعیت ویژه‌ای که دارند، به عیاشی و خوشگذرانی می‌پردازند و در نتیجه، بهداشت روانی پایین‌تری دارند (همان، نامه ۱۰، ۲۷ و خطبه ۲۳۴)؛ در مقابل، افرادی که نقش و منزلت اجتماعی مثبتی دارند، از نظر بهداشت روانی در وضعیت بهتری هستند (همان، خطبه ۱۹۲). در پژوهش‌های تجربی هم تأثیرهای مثبت و هم تأثیرهای منفی طبقه اجتماعی بر بهداشت روانی گزارش شده است (آرگایل، ۱۳۸۲). امام علی(ع) علاوه بر اشاره به اثرها و کارکردهای نقش اجتماعی بر بهداشت روانی، به برخی عوامل بنیادی‌تری در این باره نیز پرداخته است که می‌تواند به‌گونه‌ای با بهداشت روانی ارتباط داشته باشد. نابرابری‌های اجتماعی، یکی از متغیرهای اساسی در این زمینه است. از نظر ایشان، نابرابری‌های اجتماعی، اثرهای منفی بر بهداشت روانی دارد (نهج البلاغه، نامه ۴۱)؛ در مقابل، برابری، برادری و مساوات، از جمله فرآیندهایی است که زمینه رشد و ارتقای بهداشت روانی افراد را فراهم می‌کند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۳۳). نابرابری‌های اجتماعی و اثرهای آن بر بهداشت روانی در مطالعه‌های متعدد پیگیری شده است. امروزه شواهد چشمگیری در دست است که نشان می‌دهد تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی تأثیر منفی بر بهداشت روانی دارد (ساندرسون، ۲۰۰۴). اونیل و هاون (۱۹۹۴) در تحقیق‌های خود دریافتند که زمانی شادمانی و احساس رضایت از زندگی بیشتر می‌شود که نابرابری‌های اجتماعی و تعارض‌ها کمتر شود (آرگایل، ۱۳۸۲، ص ۲۸۸).

ج) روابط اجتماعی: همچنین یکی از منابع مهم در بررسی ابعاد اجتماعی بهداشت روانی، روابط اجتماعی است. تحقیق‌ها نشان داده است که روابط اجتماعی، اثر بسیار زیادی بر شادی، احساس رضایت از زندگی و جنبه‌های دیگر بهداشت روانی دارد (همان). با توجه به این ویژگی‌ها است که حضرت علی(ع) در نهج البلاغه اهمیت فوق‌العاده‌ای برای روابط اجتماعی، دعوت مردم به دوستی، الفت، تعاون و همکاری در همه زمینه‌ها قائل شده است (نهج البلاغه، نامه ۳۱). توصیه به صلۀ رحم نیز اهمیت روابط اجتماعی و کارکردهای مثبت آن بر بهداشت روانی را نشان می‌دهد. یکی از کارکردهای روابط اجتماعی این است که از راه ایجاد همبستگی با دیگران در درون شبکه اجتماعی به ارتقای بهداشت روانی کمک می‌کند. حضرت علی(ع) به پنج مورد از کارکردهای روابط اجتماعی در بهداشت روانی اشاره نموده که عبارت است از: ۱. دستیابی به عزت و اقتدار؛ ۲. کرامت

و احساس خودارزشمندی؛ ۳. احساس امنیت؛ ۴. تأمین سلامتی و عافیت؛ ۵. فراهم آمدن نعمت و بهبود اوضاع زندگی (همان، خطبه ۱۲۹). این موارد بیشتر به روابط اجتماعی در سطح کلان اشاره دارد. آرگایل^۱ (۱۳۸۲) از روابط اجتماعی، به عنوان مؤثرترین عامل بهداشت روانی یاد کرده است. ویلیامز و همکارانش (۱۹۸۱) دریافته‌اند که تمام روابط دوستانه با بهداشت روانی بهتر ارتباط دارد. ویس (۱۹۷۳) در تحقیق خود دریافت که همه افراد در زندگی خود به ارتباط با دیگران نیازمند هستند؛ زیرا از این راه بهداشت روانی افراد بهبود می‌یابد (به نقل از آرگایل، ۱۳۸۲). در نهج‌البلاغه، به کیفیت روابط نیز توجه شده است. هر اندازه روابط اجتماعی بر پایه احترام، محبت، اعتماد و خوش‌بینی استوار باشد، به همان اندازه اثرهای مثبت بر بهداشت روانی دارد (قرشی، ۱۳۸۵، ص ۲۴۹). البته باید توجه داشت که اگرچه بهداشت روانی تحت تأثیر ویژگی‌های عینی و کمی روابط اجتماعی، مثل فراوانی تعامل یا تعداد دوستان است؛ اما از نظر حضرت علی(ع) بیشتر تحت تأثیر انسجام و همبستگی اجتماعی می‌باشد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸). انسجام و همبستگی اجتماعی به معنای وجود اعتماد و احترام متقابل بین بخش‌های گوناگون جامعه است. شواهد تجربی زیادی در دست است که همبستگی و انسجام اجتماعی^۲ نقش مهمی بر بهداشت روانی افراد جامعه دارد و در مقابل، اختلاف و پراکندگی باعث انواع اختلال‌های روانی می‌شود (أرفورد، ۲۰۰۷^۳). از نظر حضرت علی(ع) برای تأمین بهداشت روانی جامعه، باید انسجام و همبستگی بین افراد و گروه‌ها وجود داشته باشد تا همه افراد بتوانند در کنار یکدیگر با کمال امنیت و احساس آرامش زندگی کنند (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). در نهج‌البلاغه، از یک طرف به آثار منفی عصبیت و سایر ملاک‌های جاهلی در بهداشت روانی جامعه اشاره شده و از سوی دیگر، دین به عنوان تنها ملاک و محور اتحاد و همبستگی در جامعه معرفی شده است. امام در بخشی از خطبه ۱۹۲، علاوه بر بررسی احوال فرزندان اسماعیل و اسحاق(ع) به این نکته اشاره می‌کند که آنها به خاطر عدم پیروی از دین و تعارض‌های میان‌فردی دچار پراکندگی و تفرقه شدند. از نظر ایشان، انسجام و همبستگی بر محور اشتراک‌های قومی و نژادی، بدون یک پشتوانه دینی و اعتقادی نمی‌تواند مفید باشد و نقش قابل توجهی در بهداشت روانی جامعه داشته باشد (محمودی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۰). انسجام و همبستگی مبتنی بر دین، ثبات و پایداری بیشتری دارد و به لحاظ کارکردهای بهداشت روانی نیز

1. M. Argyle

2. social cohesion

3. J. Orford

تأثیرهای پایدارتری خواهد داشت (آمدی، ۱۳۸۴، ص ۹۴). از این رو، امام علی(ع) حج را یکی از نمادهای انسجام و همبستگی اجتماعی بین مسلمانان دانسته و به کارکردهای آن در بهداشت روانی اشاره کرده است (نهج البلاغه، خطبه ۱).

د) حمایت‌های اجتماعی: حمایت‌های اجتماعی به دریافت کمک از سوی دیگران اشاره دارد. تحقیق‌ها نشان داده است که دریافت حمایت و کمک از سوی دیگران نقش مهمی در بهداشت روانی افراد دارد (فیلیپس و هرساسلت، ۱۹۹۳^۱). پژوهش‌های متعددی نقش حمایت اجتماعی در کاهش اضطراب ناشی از بحران را تأیید کرده است. در واقع، حمایت اجتماعی این احساس را به افراد منتقل می‌کند که می‌توانند با اعتماد به نفس مشکل‌هایشان را حل کنند (آرگیل، ۱۳۸۲). حمایت‌های اجتماعی در فرهنگ اسلامی، شامل آن دسته از فعالیت‌هایی است که افراد نسبت به آسیب‌دیدگان، ایتام، بیماران، کودکان و افراد ناتوان انجام می‌دهند. از نظر امام علی(ع) گروه‌های متعددی هستند که به حمایت‌های اجتماعی از سوی دیگران نیازمندند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در اسلام توصیه شده که افراد این فعالیت‌ها را برای حمایت از دیگران و نه برای سود و منفعت مادی خود انجام دهند. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان حمایت‌های اجتماعی را به دو نوع تقسیم کرد:

۱. حمایت‌های عاطفی: شامل ابراز همدردی، توجه، محبت و علاقه به دیگران است. حمایت عاطفی از فرد آسیب‌دیده در کاهش اثرهای اضطراب و ایجاد احساس آرامش در وی مؤثر است. حمایت عاطفی از افراد سالمند، بیمار و کسانی که دور از وطن خود هستند، می‌تواند مقدار زیادی از فشار روانی آنها را کاهش دهد. امام علی(ع) در موارد متعددی به حمایت عاطفی از افراد نیازمند و آسیب‌دیده توصیه کرده است (نهج البلاغه، نامه ۳۱ و ۵۳).

۲. حمایت‌های مادی: شامل پول قرض دادن، کمک کردن برای تهیه مسکن و ضرورت‌های دیگر زندگی به افراد آسیب‌دیده و نیازمند است. تحقیق‌ها نشان می‌دهد که دریافت حمایت‌های مادی نیز در کاهش آثار اضطراب، تقویت اعتماد به نفس و احساس خودکارآمدی در افراد آسیب‌دیده مؤثر است (ساندرسون، ۲۰۰۴^۲). در نهج البلاغه به صدقه دادن (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰) و کمک کردن به نیازمندان (همان، حکمت ۲۵۸) خیلی توصیه شده است. امام علی(ع) در دوره زمامداری خود به منظور حفظ بهداشت روانی جامعه، به‌ویژه افراد بی‌بضاعت، به حمایت مالی و مادی از آنان اقدام نمود (همان، نامه ۵۳) و

1. D. R. Phillips & Y. Verhasselt
2. C. Sanderson

بخشی از بیت‌المال را برای این کار در نظر گرفت (همان، خطبه ۳۷ و نامه ۲۳۲). امروزه این سازوکارها به وسیله نهادهای اجتماعی، مانند مؤسسه‌های خیریه، صندوق بازنشستگی، بانک‌ها و نهادهای بیمه انجام می‌شود. با توجه به آنچه بیان شد، حمایت اجتماعی از اشخاصی که توان تأمین زندگی خود را ندارند، برای رفاه و آسایش آنها و به‌طور کلی، سلامت و بهداشت روانی جامعه، امری مهم محسوب می‌شود.

ه) حکومت و نحوه رفتار و برخورد مسئولان با مردم: از نظر امام علی(ع)، یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی، نهاد حکومت است. تصمیم‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌هایی که از سوی حکومت و حاکمان در هر جامعه‌ای صورت می‌گیرد، در سرنوشت، افکار، احساس‌ها و حالت‌های روحی - روانی افراد تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، شاید بتوان گفت که حکومت و رفتار حاکمان، یکی از عوامل مهم و اساسی در بهداشت روانی افراد جامعه محسوب می‌شود. تحقیق‌های تجربی نیز نشان می‌دهد که نقش حکومت در حوزه بهداشت روانی بسیار تعیین‌کننده است (ارفورد، ۲۰۰۷)؛ از این‌رو، بحث حکومت و بهداشت روانی جامعه را با تفصیل بیشتری بررسی می‌کنیم.

موضوع حکومت، یکی از موضوع‌های اساسی و راهبردی نهج‌البلاغه است. امام علی(ع) حکومت را امر ضروری در جامعه می‌داند؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی است. لازمه زندگی اجتماعی، وجود اصطکاک‌ها و برخوردها بین افراد است؛ یعنی وقتی مردم بخواهند زندگی اجتماعی داشته باشند و در کنار یکدیگر زندگی کنند، بین آنها تعارض‌هایی صورت می‌گیرد. برای حل تعارض‌ها و پیشگیری از بحران‌های اجتماعی، وجود حکومت و حاکمان در جامعه ضرورت می‌یابد. امام علی(ع) بارها در نهج‌البلاغه بر لزوم یک حکومت و حاکم در جامعه تأکید کرده و با فکر خوارج که در ابتدا مدعی بودند که با وجود قرآن به حکومت نیازی نیست، شدیداً مخالف است (نهج‌البلاغه، خطبه ۴۰). از نظر ایشان، حکومت ستمگر با همه بدی‌ها و کارکردهای منفی‌ای که دارد، بهتر از بی‌حکومتی است. در قسمتی از سخنان آن حضرت آمده است: «مردم را حکومت و حاکمی باید - نیکوکار یا تبهکار - تا در حکومت او، انسان باایمان کار خویش کند و انسان کافر بهره خود برد» (زارع، ۱۳۷۹، ص ۴۶۰). این تعبیر، نشان‌دهنده ضرورت حکومت در جامعه است. از نظر امام علی(ع)، جامعه نمی‌تواند بدون حکومت باشد و حتی حکومت بد و ناسالم، بهتر از هرج و مرج و بی‌قانونی در جامعه است. بنابراین، هم اصل حکومت و هم نحوه برخورد و تعامل حاکمان با مردم، روی بهداشت روانی افراد اثر می‌گذارد. از نظر

حضرت علی(ع)، یک متغیر اساسی در این باره، ساختار حکومت‌ها است. برخی روان‌شناسان، حکومت‌ها را به لحاظ ساختار و کارکرد آنها روی بهداشت روانی افراد، به دو نوع استبدادی و مردم‌سالار تقسیم کرده‌اند. هر کدام از حکومت‌های استبدادی و مردم‌سالار، اثرهای خاصی بر بهداشت روانی افراد دارند. امام علی(ع) از دو نوع حکومت عادل و ظالم سخن گفته است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). سبک حکومت استبدادی (ظالم)، عامل تهدیدکننده بهداشت روانی است. ایشان در این باره می‌فرماید: «آنگاه که خودکامگان بر مردم حکومت کنند، استعدادها ضایع شده و آسایش و امنیت در جامعه از بین می‌رود» (همان، خطبه ۱۰۸). حکومت‌های استبدادی و حاکمان مستبد سعی می‌کنند که از هر ابزاری برای حفظ قدرت و منافع شخصی خود استفاده کند، بدون اینکه در حقیقت مردم را به حساب آورند. همچنین امام علی(ع) اجرای عدالت، ایجاد نظم، امنیت و آسایش، اصلاح امور و دفاع از ارزش‌ها را از وظایف اصلی حکومت و حاکمان می‌داند. اگر این وظایف اجرا نشود و حکومت و حاکمان با خودکامگی رفتار کنند، مشکل‌های اجتماعی بیشتر شده و مردم به انواع بیماری‌های اخلاقی و روانی مبتلا می‌شوند (همان، خطبه ۲۱۶). در قرآن نیز از سبک حکومت استبدادی و حاکمان مستبد، به عنوان عاملی یاد شده که بهداشت روانی جامعه را مختل می‌کند (نمل، ۳۴). در قرآن، فرعون سمبل دیکتاتوری معرفی شده است. وی مردم زمان خویش را به گروه‌هایی تقسیم و تابع خود کرد (قصص، ۴). امام علی(ع) علاوه بر تحلیل و بررسی ساختار حکومت‌ها در طول تاریخ (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱)، به اثرهای منفی حکومت معاویه بر بهداشت روانی مردم اشاره کرده است (همان، خطبه ۲۰۰). معاویه با روشی که در پیش گرفته بود، باعث ایجاد ناامنی، بی‌عدالتی، فساد و تبعیض طبقاتی - که همه از عوامل تهدیدکننده بهداشت روانی است - در جامعه شده بود (غلامی، ۱۳۸۱، ص ۷۵). در بخشی از نامه‌های امام، خطاب به معاویه آمده است: «ای معاویه! گروهی بسیار از مردم را به هلاکت کشاندی و با گمراهی خود فریشتان دادی و در موج سرکش دریای جهالت خود غرقشان کردی که تاریکی‌ها آنان را فرا گرفت و در امواج انواع شبهه‌ها غوطه‌ور شد، از راه حق به بی‌راهه افتادند و به دوران جاهلیت گذشتگان‌شان روی آوردند» (نهج البلاغه، نامه ۳۲). از نظر ایشان، نقش حکومت و حاکمان در بهداشت روانی جامعه به قدری مهم است که می‌فرماید: «مردم اصلاح نمی‌شوند، مگر آنکه حاکمان و زمامداران اصلاح شوند» (همان، خطبه ۲۱۶). امام علی(ع) خطاب به یکی از زمامداران می‌گوید: «مبادا بگویی من اکنون بر آنان مسلّمم، من هر گونه

دلم خواست فرمان می‌دهم و آنان باید اطاعت کنند؛ زیرا در این صورت، فساد در دل و خرابی در دین ایجاد شده و این کار موجب تغییر و تحول‌های اجتماعی می‌شود» (همان، نامه ۵۳). تعبیر فساد در دل (فان ذلك ادغال في القلب) می‌تواند اشاره به اختلال در سلامت روانی باشد. روان‌شناسان نیز به اثرهای منفی سبک حکومت‌های استبدادی بر بهداشت روانی اشاره نموده و سعی کرده‌اند از نظر روان‌شناختی آن را تحلیل کنند. بانفوذترین اثری که در نتیجه پژوهش‌های اولیه در این باره به دست آمد، کتاب شخصیت قدرت‌طلب آدرنو و همکارانش (۱۹۵۰) بود. آدرنو و همکارانش برای بررسی ویژگی‌های شخصیتی هیتلر با طرفداران نازی، مصاحبه‌هایی را انجام دادند. این توصیف اولیه در ساخت پرسش‌نامه‌ای که مقیاس اف. (اف. معرف فاشیست است) نام دارد، به کار رفت. پس از آن، مقیاس اف. در بررسی‌های دیگری به منظور شناسایی افراد قدرت‌طلب و پژوهش درباره رفتار آنها به کار گرفته شد. در این مقیاس، نمره‌های بالا نشان‌دهنده قدرت‌طلبی زیاد بود (ساینگتون، ۱۳۷۹، ص ۳۰۸). آدلر قدرت‌طلبی را ناشی از عقده حقارت می‌دانست. از نظر او، افرادی که از نقص جسمانی رنج می‌برند، به خودکامگی گرایش پیدا می‌کنند، مانند هیتلر، موسولینی، استالین و فرانکو که همه قد کوتاه بودند. بسیاری از روان‌شناسان به جای عوامل فردی، عوامل اجتماعی را در ایجاد روحیه خودکامگی مؤثر دانسته‌اند. هربرت مارکوزه و ویلهلم رایش، از جمله افرادی هستند که شکل‌گیری حکومت‌های استبدادی را نتیجه عوامل اجتماعی می‌دانند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۹).

حکومت‌های استبدادی، به خاطر استفاده از زور و قدرت، باعث احساس ناایمنی در شهروندان می‌شود. امام علی (ع) می‌فرماید: «بدترین حاکمان کسانی‌اند که مردم از دست آنها امنیت نداشته باشند» (شیخ‌الاسلامی، ۱۳۷۴). به اعتقاد اریک فروم، حکومت‌ها با اعمال زور، ترویج فساد سیاسی و تحقیر کردن افراد، احساس ایمنی را در آنان از بین برده و آنها را دچار احساس حقارت می‌کنند (فروم، ۱۳۷۰، ص ۲۱۳). یونگ در این باره می‌گوید: حکومت استبدادی همین که روی کار آمد، به دلیل شرارت، بی‌رحمی و بی‌اعتنایی به ارزش‌ها و حقوق شهروندان، آنها را به بردگی می‌کشد. به نظر وی، حکومت‌های اقتدارگرا و خودکامه با از بین بردن حق بیان، آزادی‌های فردی و بی‌توجهی به نیازهای افراد، اثر منفی بر بهداشت روانی شهروندان دارند (اودانینگ، ۱۳۷۹، ص ۶۶-۶۷). امام علی (ع) ترساندن، تهدید و استفاده از قدرت را برای منافع شخصی ناپسند دانسته و می‌گوید: «از بدترین حالت‌های زمامداران این است که گمان برده شود آنها فریفته تفاخر شده و کارشان شکل

برتری جویی به خود گرفته است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶). آن حضرت از برخورد نادرست یکی از فرماندارانش با مردم انتقاد نموده و می‌گوید: «... دهقانان مرکز فرمانداریت، از خشونت، قساوت و تحقیر کردن مردم از تو شکایت کرده‌اند» (همان، نامه ۱۹). معمولاً در حکومت‌هایی که قدرت سیاسی را یک فرد یا یک مجموعه محدود در دست دارد، مردم احساس بی‌ارزشی می‌کنند. از نظر امام علی (ع) مورد بی‌توجهی واقع شدن و عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مهم، باعث از دست دادن شأن و منزلت اجتماعی افراد و اختلال در احساس خود ارزشمندی آنها می‌شود (همان، نامه ۱۸). فیرس (۱۹۸۲)، هلر (۱۹۹۰)، راپاپورت (۱۹۸۱) و گارین (۱۹۷۰) در تحقیق‌های خود دریافته‌اند که وقتی افراد بر تعیین سرنوشتشان نقشی ندارند و فقط اجراکننده دستوره‌های دیگران هستند، احتمالاً دچار احساس ناامیدی و بی‌ارزشی خواهند شد (فیرس، ۱۳۷۴، ص ۶۱۰). احساس بی‌ارزشی، به‌ویژه در گروه‌های اقلیت، وقتی بی‌عدالتی، فقر و تبعیض قومی و نژادی را می‌بینند، بسیار چشمگیر است (آرگایل، ۱۳۸۲، ص ۲۹۰). امام علی (ع) برای دلجویی از گروه‌های اقلیت و حفظ بهداشت روانی آنها خیلی تلاش نمود.

و) **درماندگی اجتماعی:** یکی دیگر از تأثیرهای منفی حکومت‌های استبدادی و وجود جوّ اختناق در فضای سیاسی - فرهنگی جامعه، درماندگی اجتماعی است. مارتین سلیگمن (۱۹۷۵) شواهد متقاعدکننده‌ای ارائه کرده که نشان می‌دهد افراد در برابر قدرت و اعمال زور از سوی دیگران به درماندگی آموخته شده مبتلا می‌شوند. از نظر سلیگمن، چنین افرادی، حالت‌هایی چون احساس ناامیدی، ناکارآمدی و افسردگی را تجربه نموده و در برابر قدرت تسلیم می‌شود (فیلدمن، ۱۹۹۳). هورنای، مفهوم سلطه‌پذیری را در این باره به‌کار برده است. اریک فروم (۱۳۶۸) می‌گوید: هر نظام اجتماعی که در آن گروهی بر گروهی دیگر فرمانروایی می‌کند، به‌خصوص اگر گروه محکوم اقلیت باشد، سلامت روانی آنها از بین می‌رود. اشتراوس (۱۳۸۱) با بررسی نظام‌های سیاسی معاصر، یکی از کارکردهای منفی نظام‌های استبدادی را درماندگی اجتماعی و اختلال در سلامت روانی جامعه می‌داند. با توجه به اثرهای منفی ظلم و بی‌عدالتی بر بهداشت روانی شهروندان، امام علی (ع) از ستم کردن در حق محرومان و کسانی که هیچ پناه و چاره‌ای ندارند، برحذر داشته است (نهج البلاغه، نامه ۵۳). در قرآن اثر منفی استبداد و خودکامگی بر بهداشت روانی شهروندان با واژه «استضعاف» بیان شده است (قصص، ۴). در مقابل حکومت‌های

استبدادی، حکومت‌های مردم‌سالار قرار دارند. حکومت مردم‌سالار به حکومتی گفته می‌شود که مردم در تعیین سرنوشت خود و تصمیم‌گیری‌های مهم نقش داشته باشند. در ادبیات سیاسی به حکومت وابسته به مردم، «دموکراسی» گفته می‌شود. چنین حکومتی، وسیله‌ای برای تأمین نظم، امنیت، رفاه و به حداکثر رساندن آزادی‌های فردی در جامعه است. امروزه دموکراسی و سبک حکومت‌های مردم‌سالار، محبوبیت‌های زیادی در جهان دارند. هر چند هیچ‌گاه یک دموکراسی واقعی در جهان وجود نداشته و همواره مدعیان دموکراسی از این عنوان سوءاستفاده کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این سبک حکومتی، تأثیرهای به نسبت مثبتی در بهداشت روانی جامعه دارد. به گفته بارکر، دموکراسی فکر و اراده مردم را بارور می‌کند و از توانایی‌ها و مهارت‌های آنان در رشد و شکوفایی جامعه کمک می‌گیرد. از نظر وی، افراد فرمانبرداری که در نظام‌های استبدادی به سلطه‌پذیری عادت کرده‌اند، در نظام‌های سیاسی جای خود را به شهروندان آزاده‌ای می‌دهند که توانایی مشارکت در حکومت را داشته و در تعیین سرنوشت آینده خویش نقش دارند (قلی‌پور، ۱۳۸۰، ص ۹۸). یونگ، دموکراسی را یکی از راه‌های تعدیل و متعادل ساختن غرایز روان‌شناختی است که سرشت و طبیعت بشر، آن را پذیرفته و این امکان را فراهم می‌کند تا غرایز افراد به صورت مطلوب و سازنده به مصرف برسند (اودانینک، ۱۳۷۹). از آنجا که دموکراسی و مردم‌سالاری با سرشت و طبیعت انسان آمیخته، یکی از مهم‌ترین حق‌هایی که برای انسان در نظر گرفته شده، حق انتخاب رهبر و تعیین سرنوشت است. به همین خاطر، امام علی(ع) در موارد متعددی به رأی و انتخاب مردم، آزادی‌های فردی، برابری اجتماعی و تأمین امنیت و آسایش در جامعه اهمیت داده است. از نظر ایشان، حکومت به حضور مردم در صحنه متکی است و با بیعت آنان شکل می‌گیرد (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۰). امام علی(ع) یکی از ارکان مهم حکومت و اداره جامعه را مشورت می‌دانست. مشورت از نظر ایشان، تضارب آرا، افکار و اندیشه‌های موافق و مخالف است تا از میان آنها صحیح‌ترین و کامل‌ترین آن انتخاب شود (آمدی، ۱۳۸۴). بنابراین، کژکاری‌های دموکراسی موجود باعث نمی‌شود که از کارکردهای مثبت دموکراسی و نظام‌های مردم‌سالار در ارتباط با بهداشت روانی جامعه چشم‌پوشیم. امام علی(ع) نوعی از مردم‌سالاری را ترویج کرد که می‌توان از آن به «مردم‌سالاری دینی» یاد نمود. حکومت مردم‌سالاری دینی، حکومتی است که با وجود داشتن مشروعیت از راه نصب الهی در واقعه غدیر خم، تحقق آن به دلیل بیعت

اشراف و مردم، تأخیر افتاد. بیست و پنج سال سکوت امام را می‌توان شاهدی بر موضوعیت داشتن آرای مردم در به دست گرفتن مقام حکومت تلقی کرد. در حال حاضر، نقش و وظایف حکومت‌ها در حوزه بهداشت روانی، به اندازه‌ای مهم است که بدون حکومت و دولت کارآمد، تأمین بهداشت روانی افراد جامعه غیر ممکن به نظر می‌رسد. «نهضت بهداشت روانی جامعه» که در سال ۱۹۵۵ تأسیس شد، نیز از همان ابتدا به وظایف و کارکردهای حکومت در حوزه بهداشت روانی تأکید کرد (فیرس، ۱۳۷۴). در بسیاری از موارد، امام علی(ع) با همین رویکرد به مسئله حکومت نگریسته است. برای مثال، حکومت حاکمان فاسد را به لحاظ کارکردهایی که برای حفظ امنیت و تأمین بهداشت روانی جامعه دارد، بهتر از نبود حکومت در جامعه می‌داند (نهج البلاغه، خطبه ۴۰). این مسئله نشان می‌دهد که امام(ع) برای امنیت روانی جامعه اهمیت زیادی قائل است. باید توجه داشت که وقتی ما از وظایف و کارکردهای حکومت در حوزه بهداشت روانی صحبت می‌کنیم، هر کاری را که حکومت و نهادهای وابسته به آن برای حفظ سلامت جسمی و روانی مردم یا به منظور بهبود شرایط زندگی و تأمین امنیت و رفاه آنان انجام می‌دهد، در نظر داریم. بنابراین، برخی از مهم‌ترین وظایف و کارکردهای حکومت در حوزه بهداشت روانی جامعه از نظر امام علی(ع) عبارت است از:

۱. برنامه تأمین رفاهی: شامل همه تدابیر و فعالیت‌هایی است که برای بهبود وضع زندگی و ارتقای سلامت افراد جامعه به کار گرفته می‌شود. برنامه‌ریزی بهداشت، مسکن، شغل، بیمه‌های اجتماعی، تأمین نیازها و حمایت از افرادی که به‌گونه‌ای در برابر آسیب هستند، مثل افراد پیر، زنان و افراد آسیب‌دیده در این بخش قرار می‌گیرد (همان، نامه ۵۳). فراهم آوردن رفاه و آسایش در جامعه، از اهداف و وظایف اصلی حکومت است که در آرامش روانی آنها نقش دارد (همان، حکمت ۲۷۱). امام علی(ع) به رفاه عمومی بسیار توجه داشت (همان، نامه ۱۳۱) و برای تأمین معیشت افراد برنامه‌ریزی می‌کرد (همان، نامه ۵۳).
۲. اجرای عدالت: دومین کارکرد حکومت در زمینه بهداشت روانی جامعه، اجرای عدالت است. دولت و حکومت باید برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و حفظ و ارتقای بهداشت روانی افراد جامعه، عدالت را برپا کند (آمدی، ۱۳۸۴، ص ۳۶۳). حضرت زهرا(س) در خطبه‌ای درباره فدک، از عدالت به منبع آرامش در جامعه یاد کرده است (شیخ صدوق، ۱۳۸۵، ص ۲۴۸). اگر عدالت در جامعه نباشد، افراد احساس آرامش نخواهند کرد (نهج البلاغه، نامه ۵۳). امام علی(ع) در نامه‌ای به اسود بن قطبه، فرمانده سپاه حلوان یادآور می‌شود که همه در برابر حق باید یکسان باشند؛ زیرا هیچ‌کس را بر دیگری

امتیازی نیست (همان، نامه ۵۹). همچنین خود آن حضرت (ع) در دوره حکومتش نسبت به عدالت اجتماعی بسیار حساس بود (همان، نامه ۷۰). از این‌رو، ایشان یکی از دلایل اصلی پذیرش حکومت را تعدیل ثروت و تأمین عدالت برمی‌شمارد (همان، خطبه ۳). امام علی (ع) حکومت را در این جهت سیر داد و بر اساس هدف قرار دادن عدالت بود که لباس سلامت و تندرستی را بر تن مردم پوشاند (همان، خطبه ۸۷).

۳. روابط سالم و عاطفی با مردم: در جامعه‌ای که روابط حکومت با مردم بر اساس معیارهای اخلاقی و حفظ کرامت انسانی باشد، بهداشت روانی جامعه کمتر آسیب‌پذیر است. امام علی (ع) به فرماندارش می‌گوید: «نسبت به مردم متواضع و نرم‌خو باش. با آنها با گشاده‌رویی برخورد کن و عدالت را حتی در نگاه کردن و اشاره به آنان رعایت نما تا زورمندان (افراد بانفوذ) به تو طمع نکنند و ناتوانان (قشر محروم جامعه) از تو ناامید و رویگردان نشوند» (همان، نامه ۲۷). حفظ و ایجاد روابط مسالمت‌آمیز میان مردم، از جمله اهدافی است که صریحاً در خطبه‌های نهج‌البلاغه و نامه‌های آن حضرت بیان شده است. امیرمؤمنان (ع) در عهدنامه مالک اشتر خطاب به وی می‌فرماید: «قلب خود را از مهربانی و دوستی و رأفت نسبت به مردمان لبریز کن، مبدا نسبت به آنان، چون درنده‌ای باشی که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا مردمان دو دسته‌اند یا برادر دینی تو هستند و یا در آفرینش با تو همانند می‌باشند. برای کسانی که به تو نیاز دارند، زمانی معین کن که در آن فارغ از هر کاری به سخنان و گفته‌های آنها گوش دهی» (همان، نامه ۵۳). داشتن این‌گونه رابطه صمیمی و عاطفی با مردم در احساس رضایت و بهداشت روانی آنها مؤثر است.

۴. تقویت ارزش‌های اخلاقی و معنوی در جامعه: یکی دیگر از عوامل مؤثر در حفظ و ارتقای بهداشت روانی، عمل نمودن به ارزش‌های اخلاقی و معنوی، مانند صداقت، احترام به حقوق دیگران، صفا و صمیمیت، عفو و گذشت و همدلی است (همان). حکومت می‌تواند با اجرای برنامه‌های آموزشی و ارائه الگوهای مناسب، به ارتقای بهداشت روانی جامعه کمک کند. از نظر امام علی (ع)، اجرای امر به معروف و نهی از منکر، یکی از سازوکارهای مؤثر برای سالم‌سازی فضای فرهنگی و تأمین بهداشت روانی در سطح کلان اجتماعی است (همان).

۵. برقراری امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی نیز در گستره وظایف حکومت است. حکومت با ایجاد نظم و امنیت اجتماعی می‌تواند به بهداشت روانی جامعه کمک کند (همان، نامه ۱۳۱). از این‌رو، امام علی (ع) یکی از کارکردهای حکومت را حفظ امنیت در جامعه می‌داند (همان، نامه ۴۰).

بحث و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر، مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی در نهج‌البلاغه را بررسی کردیم. به همین منظور، پس از بررسی کلی مفهوم بهداشت روانی و بیان اهمیت آن از نظر امام علی(ع)، به تبیین عوامل اجتماعی بهداشت روانی در نهج‌البلاغه پرداخته شد. کار و فعالیت اقتصادی، روابط اجتماعی، دریافت حمایت از سوی دیگران، اتحاد و انسجام و کارکرد حکومت، از مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی به شمار می‌رود. نتایج ارزشیابی‌ها در نهج‌البلاغه نشان داد که عوامل اجتماعی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر کیفیت عملکرد و سطح زندگی افراد است. بنابراین، در ارتباط با سؤال نخست پژوهش، مبنی بر اینکه «بر اساس آموزه‌های نهج‌البلاغه، چه موضعی نسبت به مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی می‌توان برگزید؟»، یافته‌های این پژوهش نشانگر ارتباط عوامل اجتماعی با بهداشت روانی است. درباره سؤال‌های دوم، سوم و چهارم نیز مشخص شد که بهداشت روانی تحت تأثیر کار و فعالیت اقتصادی، روابط اجتماعی و کارکرد حکومت قرار می‌گیرد. از نظر امام علی(ع) جنبه‌های مثبت کار و فعالیت اقتصادی، روابط اجتماعی مطلوب، همبستگی و اتحاد ملی، نهادینه شدن ارزش‌های اخلاقی در جامعه و روابط خوب حاکمان با مردم، باعث بهبود و ارتقای بهداشت روانی می‌شود؛ در مقابل، فقر و بیکاری، تبعیض نژادی، فرهنگ طبقاتی، ظلم و فساد، بی‌عدالتی، سبک حکومت استبدادی و برخوردهای نادرست صاحبان قدرت با مردم از عوامل تهدیدکننده بهداشت روانی محسوب می‌شود. امام علی(ع) در همه جای نهج‌البلاغه به مؤلفه‌های اجتماعی بهداشت روانی، به‌ویژه اثرها و کارکردهای دولت بر بهداشت روانی افراد پرداخته و راهکارهایی را در این باره بیان نموده که اگر در شرایط کنونی به آنها عمل شود، از بسیاری از مشکل‌های اجتماعی، پیشگیری می‌شود. از آموزه‌های نهج‌البلاغه استفاده می‌شود که نهادهای اجتماعی، به‌ویژه دولت و حکومت باید برای تأمین بهداشت روانی جامعه، برنامه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای را در دستور کار خود قرار دهند. تنها در این صورت است که بهداشت روانی در جامعه تأمین خواهد شد. حتی مؤلفه‌های فردی بهداشت روانی نیز تا حدود زیادی متأثر از عوامل اجتماعی و برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان اجتماعی است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه (۱۳۸۵)، ترجمه محمد دشتی، نشر غرفة الاسلام.
- آرگایل، مایکل (۱۳۸۲)، روان‌شناسی شادی، ترجمه گوهری و همکاران، نشر جهاد دانشگاهی.
- آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۴)، غرر الحکم و درر الکلم، دارالکتب الاسلامی.
- اشتراوس (۱۳۸۱)، روان‌شناسی استبداد، ترجمه سروری، انتشارات نگاه.
- پورافکاری، نصرت‌الله (۱۳۷۳)، فرهنگ جامع روان‌شناسی روان‌پزشکی، تهران: فرهنگ معاصر.
- تمیمی آمدی (۱۹۲۴)، محمد، غرر الحکم، بی‌جا: بی‌نا.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۸)، شرح نهج البلاغه، نشر فرهنگ اسلامی.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق)، وسایل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- زارع، سعید (۱۳۷۹)، پرتوی از نهج البلاغه، انتشارات میثم تمار.
- سایپینگتون، آندرو (۱۳۷۹)، بهداشت روانی، ترجمه حسین شاه‌ی برواتی، نشر روان.
- شیخ صدوق و ابن بابویه (۱۳۸۵ق)، علل الشرائع، ج ۱، دار احیاء التراث.
- شیخ الاسلامی، حسین (۱۳۷۴)، گفتار امیرالمؤمنین، انتشارات انصاریان.
- غلامی، یوسف (۱۳۸۱)، پیشوایی فرزندان ابوطالب، انتشارات بضعة الرسول.
- فروم، اریک (۱۳۶۸)، جامعه سالم، ترجمه اکبر تبریزی، انتشارات بهجت.
- _____ (۱۳۷۰)، گریز از آزادی، ترجمه فولادوند، نشر مروارید.
- فیرس، جری (۱۳۷۴)، روان‌شناسی بالینی، ترجمه خشایار بیگی، نشر ابجد.
- قرشی، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، آینه نهج البلاغه، ج ۳، انتشارات فرهنگ مکتوب.
- قلی‌پور، آرین (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی سازمان‌ها، تهران: سمت.
- کوکربین، ریموند (۱۳۷۶)، مبانی اجتماعی بیماری‌های روانی، ترجمه بهمن نجاریان و فرید براتی، تهران: رشد.
- لیسی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم والمواعظ، قم: دارالحدیث.
- محمودی، باقر (بی‌تا)، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، نجف: مطبعة الآداب.

میلانی‌فر، بهروز (۱۳۸۲)، بهداشت روانی، تهران: نشر قومس.
 نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۹)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: سمت.
 نوری، میرزا حسین (۱۳۲۰ق)، مستدرک الوسایل، ج ۱۳، بیروت: دارالمعرفة.
 والتر، اودانینک (۱۳۷۹)، یونگ و سیاست، ترجمه طیب، نشر نی.
 ورام، مسعود بن عیسی (۱۳۸۴)، مجموعه ورام؛ «آداب و اخلاق در اسلام»، ج ۲، آستان
 قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
 هی وود، کاتلین ام. (۱۳۸۰)، رشد و تکامل حرکتی در طول عمر، ترجمه نمازی‌زاده و
 اصلان‌خانی، تهران: سمت.

Berkeley (2009), *Social Determinations of Meantal Health*.

Feldman, R. (1993), *Understanding Psychology*, McGraw Hill.

Funk, M. (2000), *Mental Health and Work: Impact, Issues and Good Practices*,
 World Health Organization.

Gregory, R. (2004), *The Oxford Companion to the Mind*.

Kessler, R. C.; J. B. Turner & J. S. House (1988), "Effects of Unemployment on
 Health in a Community Survey: Main, Modifying and Mediating Effects", *J.*
Soc, Issues, v.44, pp.69-85.

Marmot, M. & R. G. Wilkinson (1999), *Social Determinations of Health*, Oxford
 University Press.

Orford, J. (2007), *Community Psychology*, Wiley.

Sanderson, C. (2004), *Health Psychology*.

Stanwick, R. S., *Understanding the Social Determinations of Health Authority*.

Verhasselt, Y. (1993), *Health and Development*, Routledge.